

ارگان عیوایی

۳ آبان

سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان ایران

سال دوم - شماره ۷۲ - پنجشنبه ۷ خرداد ۱۳۶۰ - ۱۰ ریال

دعوای لیبرال‌ها و حزب جمهوری جنگ قدرت بین دشمنان توده‌هاست

در چهارمین روز شهادت پیکارگران گهواره‌دیده‌ست
رفقا آذر و ایرج خاطره‌ها و خاطرات پرشور اول
اردیبهشت را گرامی داریم!

اسرار طیف لیبرال‌ها در تهاجم

مانگونه که در شماره
گذشته در همین
ستون توضیح دادیم،
اوچکبکری نوبین
جنبشش توده‌ای
و شدت‌یابی مبارزه طبقاتی
بر بیشتر بهمنران عمیق
اقتصادی - اجتماعی جامعه
که ریشه در سیستم
پسوسیده سرمایه‌
داری وابسته دارد
روز بروز به
بازتیر شدن
شکاف‌ها در "بالا" و حاشه
تر شدن دعوای
دو جناح "حزبی" و "لیبرال"
درون هیئت حاکمه می‌شود.
بلیه در صفحه ۲

بیشتر دانش آموز و نصاب دروسی علمی!!

۱ مسئله درس و رابطه آن با
مبارزه انقلابی از جمله مسائلی
است که همواره برای جنبش دانش
آموزی مطرح بوده و خواهد بود
هر دانش‌آموزی که پای به عرصه
مبارزه می‌نهد، بلافاصله عسود
را در مقابل این سؤال می‌یابد
که در قبال درس چه موضعی باید
بگیرد و..... و تا هنگامیکه
پایخ روشن و انقلابی این
سؤال را در نیابد،
هرگز قادر به پیشبرد بنا
بزنانه فعالیت مبارزاتی
خوبش نخواهد بود - بقیه در صفحه ۲



شرح جریان شهادت
آذر مهرعلیان
در صنف گوشت
و عکس العمل مردم
صفحه ۲

گزارشی از اجرای
هیتینگ خیابانی
به مناسبت
سی و دومین سالگرد
اشغال فلسطین - صفحه ۱۳

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بر مقاله ... بقیه از صفحه ۱

"حزبهای" جنایتکار که از جنسی بیش مواضع کلیدی قدرت را قبضه کرده اند هم اینک میگویند یکم یکم به پله پله دیگر مواضع قدرت را که تا کنون در دست جناح رقیب بوده است، از دست انسان خارج ساخته و سهر حاکمیت کامل خود را بر آن بکوبند. لفظ "لایحه فرمان هاپونی" عزل روسای بانک مرکزی و حلال احمر و انتخاب آنان از این سیمه سوسله دولت رجایی و ... از جمله عملیات است که اینروزها "حزبها" برای کسب تمام عیار قدرت نموده اند. در همین رابطه است که می بینیم اگر از یک طرف "حزبها" ی جلدیه پیشروی آرام و خونخوردانه خود ادامه میدهند، اما از طرف دیگر "لیبرالها" برای بگاف آوردن قدرت آنها جمعی را علیه رقیب مقابل آغاز کرده اند.

این تهاجم از سوی "لیبرالها" و بویژه شخصی بنی صدر خائن آنچنان ایجاب گسترده ای بخود گرفته که دیگر پیام خمینی مبنی بر "ترک متارکه" و یا هیئت سه نفره حل اختلافات را بزرگ شوال برده و باد هوا کرده است بنی صدر جلد خود میگوید: "قرار شد که بنی بر متارکه بیا - شد ولی حالا در عمل معلوم شد که چنین بنیاسی (قراری) نیست از نظر مزه مزه نوع خواهان چنین متارکه ای نیستیم"

انقلاب اسلامی - شنبه ۲ خرداد، پس روشن میشود بنی صدر دیگر حاضر بیگونی و متارکه نیست اما چرا؟ خود اشاره میکنند برای اینکه: "معامله، معامله حذف رئیس جمهور است."

و بدین ترتیب ریشه اساسی و هسته اصلی تهاجمات "لیبرالها" بر علیه جناح "حزبی" آشکار میشود. آنان خود را بر لبه پرتگاه و از دست دادن قدرت گنونی خویش میبینند. پس آخرین زور خود را میزنند

"حزبها" آنچنان میتازند که دیگر بنی صدر را بعنوان رئیس قوه مجریه نیز نمی شناسند. رجایی در نامه ای به بنی صدر مینویسد: "اینجا نه بنی صدر را در قوه مجریه و نه در قوه قضائیه در همان حدودی که قانون اساسی مقرر داشته است مسئول است نه بیشتر. مسئولیت کارهای اجرایی با رئیس دولت است نه رئیس جمهور. بزودا - شد اینجانب از قانون اساسی ایناست

که رئیس جمهور در کارهای اجرایی مسئولیت ندارد." (انقلاب اسلامی - پنج شنبه ۳۱ اردیبهشت).

بنابراین بیش از پیش روشن میشود که "حزبها" تعرض همه جانبه خود را آغاز کرده و میخواهند جناح رقیب از هر گونه قدرتی بدور بوده و تنها وسیله ای برای اعمال سیاستهای آنان باشد.

بنی بر این در همین رابطه است که اعلام جرمهای بنی صدر بر علیه دولتست رجایی و "حزب حاکم" معنی و مفهوم میدهد میکند. بنی صدر رجایی را کسی میخواند که میخواهد "سیاست خودمختاری خود را در باره همه آحاد ملت اعمال کند" و دولت او را دولتی میدانند که "حق حاکمیت ملی را مخدوش کرده است" و رجایی و بنی صدر را متهم به نقض اصول قانون اساسی و اختلاس از اموال ملت و خلاف قانون عمل کردند. بنی صدر "میگوید" (انقلاب اسلامی - پنجشنبه ۳۱ اردیبهشت و شنبه ۲ خرداد).

بنی صدر جلالت برای حقوق خود و همسالگانی که بیشتر قدرت سینه چاک میکنند، و گرنه در سرکوب و کشتار بنی مان زحمتگاران، در بازی سبتم گنبدیده جرمایه داری و - بسته با هم وحدت نظر و اشتراک عمل دارند. همه بحث و همه جنگ و دعوا بر سر آنست که بنی صدر "مجموعه" شود با اینکه دولت رجایی "سروکوب" کرده. همه جنگ و میدان نیز کردن بر سر آنست که روشهای "لیبرالها" در "سرکوب و بازسازی" بگا ر گرفته شود یا اینکه شیوه ها و سیاستهای "حزبی".

ابستاز تهاجم لیبرالها

اگر "حزبها" ی جنایت پیشه برای کسب تمام قدرت از ارگانها که در دست دارند امثال مجلس و دولت و ... نود میجویند "لیبرالها" ی دراپوزیسیون مانده به چه ابزاری متوسل میشوند؟

آنچه که به عیان در نوشته ها و سخنرا - نیها و مصاحبه های "لیبرالها" بویژه شخصی بنی صدر جنایتکار دیده میشود استناد آنان به قوانین است که متفقا تمام جناحهای فدائقلابی و ارتجاعی رژیم حاکم بر علیه زحمتگاران به تصویب رسانده و در آن سهم در یک از جناحها از سرکوب و کشتار رتوده ها و بازسازی سبتم گنبدیده شخصی شده است. اینک بنی صدر که "ریاست کار

قوه مجریه" بودن او از سوی "حزبها" بزرگشوال کشیده شده است. فغان از به زیبا گذاشتن آن بر می آورد و خواهد ن اجزای تمام و کمال آن می باشد. این مسئله دقیقا "قدرت" "حزبها" ی جنایت پیشه و زبونی و در موضع ضعف بودن "لیبرالها" را به آشکار نشان میدهد. دیگر آنچنان از مواضع قدرت اجرایی بدور انداخته شده اند و جناح "حزبی" آنچنان براریکه قدرت تکبیه زده است که ناله "لیبرالها" به آسمان رسیده است. بنی بر این تاکید "لیبرالها" "سر اجرای قانون اساسی، کسب سهمی است که از جهاول و استعمار زحمتگاران نصیب آنان میگردد و قدرت سبتمگ در قانون، به آنان ارزانی شده است. از سوی دیگر "لیبرالها" و بویژه شخصی بنی صدر خائن به همان شیوه عوام فریبانه "از اینخواهی" متوسل شده اند و حزبی و نوشته ای نیست که در آن "رای مردم" بماند یا مده با شد تا حدی که بنی صدر در مورد ترک متارکه میگوید: "حتی عقیده هم ندارم که این، جورا نا آرام می - کند. بغیر هر کسی حرف خودش را بزند و چون رای برای مردم است، مردم رای میدهند." (انقلاب اسلامی شنبه ۲ خرداد).

اما بنی صدر جلد به چه منظوری طالب "رای مردم" می باشد؟ و تکیه او بر کدام خواسته های توده ها می باشد؟

همانگونه که در شماره های گذشته توضیح دادیم "لیبرالها" ی خائن به علت در اچو - زبیبون ماندن به هر اهمیت ترین وسیله ای که متوسل میشوند همانا استفاده از توده های متوهم کثیری است که بدور خود جمع کرده اند. بنی صدر و "لیبرالها" ی جناح - یکنار که از مواضع کلیدی قدرت یک به یک کنار گذاشته میشوند با استفاده از نا رتا - یخی توده های وسیع مردم، با سودجویی از نفرت عمیق آنان نسبت به جناح "حزبی" و لایبرم کننده شدن از این جناح هیئت حاکمه با افشای رقیب مقابل و انگشت گذاشتن روی خواسته هایی که توده ها را از جناح "حزبی" دور کرده است در تئوری الیترنا تیبو قوی کمونیستی و انقلابی، در شرایط فظیف کمونیستی و ... و با پوشاندن قیای "از اینخواهی" بر دوش خویش، آنان را بگرد خود جمع کرده اند و از آنان به نشانه سکوشی برای پرتاب خویش به مواضع قدرت سودی جویند. بنی صدر جلد از آن روی به

مردم" آثاره میکنند و طالب "رای آنان می باشد، که از درجه توهم آنان نسبت بخود خبردارد، او بنا به ماهیت ارتجاعی خود بهیچ وجه خواهان اجرای خواستهای زحمتکشان نبوده بلکه تنها آنها در جهت رسیدن بطدرت و قدرت نمایی در مقابل جناح "حزبی" خود استفاده می کند. بنا بر این نتیجه می گیریم بنا به این فاکتور پیر اهمیت "لیبرالها" و بویژه بنی ممدرد در مقابل رقیب "حزبی" خواهان گسترش هر چه بیشتر این موج وسیع توده های متوهم می باشند. از سوی دیگر آنان بهیچوجه در این نوعیت حساس و پیچیده نمی توانند تنها بی و پراکنده تنها جم خود را به پیشش ببرند، اینجاست که مهمترین ویژگی حمله اخیر "لیبرالها" به "حزبها" آشکار می شود.

قطب ارتجاعی "لیبرالها" یکپارچه میشود

برای حمله بدین اولگودآوری تمام نیروهای پراکنده بزیر یک پرچم و نشانیا به لشکر عظیمی برای تهاجم نیاز می باشد. ببینیم "لیبرالها" به چه اقداماتی در جهت این امر دست زده اند:

گفتیم برای عرفی اندام و شان کشیدن در مقابل رقیب "حزبی"، "لیبرالها" نمیتوانند بنیروهای پراکنده خود متکی باشند، آنان مینمایند دارای آن چنان انجاسی باشند که درجه ضربه پذیری خود را کمتر کنند، این است که بنی ممدرد و تمام "لیبرالهای" خاشن در پی تمرکز قوای خود و آغاز حمله از یک نقطه هستند چنین است که تمام مفعلات نشریات میزبان و انقلاب اسلامی و... و تمام نوشته ها و سخنرانیها و معاهده های "لیبرالهای" خاشن چه در مجلس و چه در خارج آن متوجه حمله به جناح "حزبی" بوده و خط تهاجم بر علیه آنان بر همه شان حاکم مینماید، این یک جنبه قضیه است، اما "لیبرالها" به همین نمیتوانند اکتفا کنند، آنان نیروهای رایجی خود جلب می نمایند و در قطب خویش

جای میدهند که تمايلات عمومی آنان به موازات تمايلات عمومی "لیبرالها" در حرکت است و عمده ترین نیروی که در این میان متخص میشود مجاهدین خلق میباشد - شند، مجاهدین خلق که بخاطر گرایشات جدید "لیبرالی" خود و میل و تمایل و مستگیری بسوی این جناح از بورژوازی از مدتها پیش در کمپ "لیبرالها" جای گرفته اند امروزه بعنوان مهمترین قاعکتور برای عرفی اندام "لیبرالها" و به ویژه بنی ممدرد بشمار می آیند، مجاهدین خلق با پایه وسیع توده های خود میتوانند عامل مهمی در جهت قدرت نمایی "لیبرالها" بحساب آیند، مجاهدین خلق که هم چنین با تزلزلات و نوسانات تدبیردی کماکان به عنوان یک نیروی انقلابی محسوب میشوند اما بخاطر گرایشات عمیق لیبرالی خود و مستگیری متخص بسوی بنی ممدرد و خط مشی غالب و سیاستهای یکسان با "لیبرالها" نمیتوانند در عطف "لیبرالها" قرار نگیرند، خاتمه مجاهدین خلق بنی ممدرد در تاریخ ۲۵ اردیبهشت اعمال نشانه تقصیر بیشتر این انحراف در آنان و جایگاه شان در کمپ "لیبرالها" می باشد، مادر نمازهای گذشته نشریه حرکت اخیر مجاهدین را از نوشتن نامه به خمینی و... به نقد کشیدیم، آنان بعد از پاسخ خمینی، نامه سرگشاده ای را خطاب به بنی ممدرد انتشار داده اند، روح غالب بر این نامه و خط مشی اتخاذ شده دقیقاً نشان دهنده این تمسق با فتگی انحراف مجاهدین و دفاع بدون قید و شرط آنان از بنی ممدرد می باشد، مجاهدین ضمن اعلام تعوییل الحامه و "التزام" خود به قانون رژیم جمهوری اسلامی طالب اجرای آن از سوی بنی ممدرد شده اند، همانگونه که در بالا گفتیم اینک "حزبها" بنی ممدرد را حتی بعنوان مسئول اجرای قانون نیز بر سمیت نمی شناسند، بنا بر این علم کردن بنی ممدرد در مقابل "حزبها" و خواهان اجرای قانون بدست او شدن و دفاع "جانانه" از "مظلومیتهای" بنی ممدرد، آیا چیزی جز حمایت و پشتیبانی می باشد و بدون قید و شرط از او می باشد؟ مجاهدین ضمن اعلام کردن گذاشتن به فرامین خمینی از بنی ممدرد می پرسند: "آیا عملاً اجرای (قانون اساسی) را تضمین میکنند؟... دلیل این سؤال اینست که وقتی "انصار" طلبان می

خواهند از بالاترین مقام معری قانون تنها یک ماشین اعطای نشان ها و درجات و امضای چشم بسته اسناد... بسازند در عمل چگونه میتوان به تضمین رئیس جمهور که خود نیز از مانور و شکنجه و غفلان و انحصار و فقدان امنیت قضایی و سیاسی شگوه میکنند و آنگاه در مجلس نیز و سوا "خاشن" خطاب شده و نا عا دلانه مورد "احضار" دادگستری قرار میگیرد، امید بست" (مجاهد - شماره ۱۲۱ - صفحه ۲)

آیا دفاعی از این جانانها و بدون قید و شرط سراغ دارید؟ بگذار "لیبرالها" با دم خود گردو بشکنند، چرا که مجاهدین خلق را با پایه وسیع توده های اثنی پشت سر دارند، در این نامه مجاهدین بیشترین تلاش خود را بکار میگیرند تا با ردیگر برای بنی ممدرد اعتبار کمب کرده و اورا بس قدرت پرتاب کنند، آنان کسی را جز بنی ممدرد خاشن برای تحویل الحامه بر سمیت نمی شناسند و وقتی پاسخ بنی ممدرد را در این باره بشنویم که: "گفته اند تضمین چیست که با ما قانون اجرا شود؟ خوب من چه جوابی بدهم؟" (انقلاب اسلامی - شماره ۲ خرداد)

عمق سیاست یکسان در تهاجم علیه جناح "حزبی" رژیم حاکم دیده می شود، بنی ممدرد با گفتن این جواب به خمینی و... هشدار میدهد که اگر قدرت در دست او باشد، او مسئول اجرای قانون اما می باشد، جناح "حزبی" آنچنان قدرت را قبضه نمائید، بد بدستی میتوانند مجاهدین خلق را در چارچوب قانون بورژوازی جمهوری اسلامی به بند کشند، و اینچنین زمین را بسوی قدرت بایی خود فراهم عیمازد، آری مجاهدین سکویی برای پرتاب بنی ممدرد بقدرت شده اند، آنان بمشابه میهای لشکرهای "لیبرالها" کاری جز زمین سازی برای کسب قدرت بنی ممدرد و "لیبرالها" انجام نمیدهند، مجاهدین خلق با این حرکت نوین خویش عملی جز بیشتر در توهم نگه داشتن توده های کثیر پشت سر خود و آنان را به مسلخ بورژوازی رهنمون شدن انجام نمیدهند، آنان دودستی خود را تقدیم بورژوازی مینمایند، آیا مجاهدین تجربه گذشته خود که میلشایی خود را تمام وقت در اختیار "سپاه پاسداران" که روز شب آنان را بر سر هر کسوی

شرح شهادت رفیق آذر مهرعلیان در صف گوشت و عکس العمل مردم

در صف گوشت ایستاده بودم . بحث بین مردمی که در صف ایستاده بودند در گرفته بود . پیروزی که آه و ناله اش از دست این رژیم در آمده بود میگفت : من دیگر نماز نمیخوانم ، جدیداً فهمیده‌ام که اینها اسلامی نیستند ، اگر اسلام اینه که اینها عمل میکنند ، من اسلام را هم قبول ندارم . وقتی دیدم این پیر زن آه و ناله اش از دست این رژیم بلند شده است و برآستی که همه زنهای در صف گوشت نیز هر یک به نوبتی گله و شکایت میکردند ، منم جریان نظایرات اول اردیبهشت و شهادت رفیق آذر - مهرعلیان را برایشان شرح دادم و طوری همه زنهای تحت‌تأثیر قرار گرفته بودند که بدون اغراق چند زن شروع به گریستن کردند ، من خودم هم گریه‌ام گرفته بود ، در این ایام که همه ما در صف گوشت منتظر بودیم یکی از کمیته‌های محل که همیشه بدون نوبت وارد قعاب میشد و گوشت بدون سهم‌اش را میگرفتست و میرفت اینبار میخواست وارد قعاب بشود که زنهای جلویش را گرفتند و هر چه از دهانشان در میآمد به او گفتند و به او اجازه ورود به قعاب را ندادند .

هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - خانه‌دار -

این وظیفه تمامی کمونیست‌هاست که به توده‌ها آگاهی داده و آنها را نسبت به دشمنان طبقاتی شان آگاه سازند . حال بگذاریم ارتجاع مزورانه توده‌ها را نسبت به کمونیست‌ها به بین نماند ، اما تجربه به توده‌ها ثابت خواهد کرد که دوست‌پوشان دشمن واقعی شان کسانی هستند که در انتها پیروزی را برای کارگران ، زمینکشان و خلقهای قهرمانمان رزومیکند مرگ‌برآمهریالیسم و ارتجاع‌دغلی برقرار با جمهوری دیکراتیک خلق

و سیاستهای متزلزلانه و ناپیکیرانه مجاهدین خلق خود را آماده پذیرش این شرایط نوین نمایند . این شرایط میتواند عرصه‌هایی از کار خلقی را در پیش روی بگشاید هر چه جنبش توده‌ای و مبارزه طبقاتی حدت یابد ، هر چه دعوی " بالائیها " شدت یگیرد ، این شرایط ، زودتر و نزدیکتر فرا میرسد . این شرایط جدید از ما می‌طلبد که با تمام قوا در کنار افشای ماهیت جنایتکاران حزبی ، ماهیت ضد مردمی لیبرالها را نشان دهیم . رفقا اکنون نیروهای چون لیبرالها و مجاهدین و بغضات بسیاری را به افشای حزبی‌ها اختصاص داده‌اند و میدهند و مردم خود هر روز شاهد خیانتها و جنایات حزبی‌ها و سیاه باساران و کمیته‌ها و هستند . اگر ما نیز به افشای حزبی‌ها بپردازیم کاری جز آنچه لیبرالها و ... انجام میدهند ، نگردانیم . خصوصیت کمونیستی افشاگری‌های ما در آن است که کل بورژوازی (چه لیبرال ، چه حزبی و ...) را افشا نموده و از این طریق در توده‌های گردن‌آلترناتیو کمونیستی بکوشیم . به استقبال جنبش او بگریزیم توده‌ها برویم و خود را آماده پذیرش و استفاده از آن نمائیم .

بقیه از صفحه ۶ پای صحبت

بهم من به سایر رفقا این است که جای خالی رفقای شهید ، خروج وزندانی را که اینک جایبان در فعالیتهای عملی و در سنگر خونین و پرافتخار " سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر " خالی است را با گتروش و تصمیم‌مبارزه پرکنند و وظایف و مسئولیتهای محول را که میگویند بیستی بس عظیم در قبال انقلاب و توده‌هاست با آگاهی کامل و اراده‌ای خلقت‌پذیر با انجام رسانند . رفقا ! شما باید نشان دهید که نه تنها از زخمی شدن و شهید شدن رفقایان باک ندارید بلکه در صحنه عملی مبارزه به رفقای زخمی ثابت خواهید کرد که راهتان هم چنان پایدار است .

و بزودی به رگبار می‌بست و دستگیر می‌نمود فراموش کرده‌اند که اینک اینچنین به چپکهای نیمه وقت بلکه تمام وقتشان را نیز تقدیم نه یک ارگان مرکوب بلکه بورژوازی حاکم می‌نمایند؟ پاسخ این سؤال روشن است . این اعمال دقیقاً نه بر اساس آنچه که خود مدعی‌اند یعنی تاکتیک صورت می‌پذیرد بلکه بخاطر وجود گرایشات عمیق لیبرالی در آنها و ست و حوی ویژه‌ای که به " لیبرالها " دارند میباشد . آنان با چنین شیوه‌ای خود را کم‌کم به سمت بورژوازی می‌بهارند . هر گامی که در این جهت برمیدارند جز تمهیق بیشتر انحراف خویش شمری نمی‌بیند . آری ! اینک قطب‌ارتجایی " لیبرالها " منجم‌تر و یکپارچه‌تر بسوی کسب مواضع قدرتی که از دست داده‌اند هستند . این جنگ و دعوا بنا چه چیزی را نشان می‌دهد و وظیفه کمونیست‌ها و نیروهای پیگیر انقلابی کدام است ؟ این جنگ و دعوا بنا نشان میدهد که جنبش توده‌ای و مبارزه‌ای طبقاتی هر روز از روز پیش حادث‌تر می‌شود . این وضعیت بنا نشان می‌دهد که بسوی شرایط نوینی در حرکتیم . و در اینجا وظیفه همه کمونیست‌ها و نیروهای پیگیر انقلابی در اینست که ضمن افشای ماهیت هر دو جناح



پای صحبت یکی از رفقای قهرمان هجروح تظاهرات اول اردیبهشت ۶۰

مجموعه وختیانه پاسداران سرمایه به
مف تظاهرات " سازمان دانشجویان ودا -
نش آموزان بیگار" در تاریخ ۲۱ فروردین
و پرتاب نارنجک در میان تظاهرات کنندگان
منجر به شهادت رفیق کمونیست بیگارگر
ما و مجروح شدن چندین تن از رفقایمان
گردید .

با یکی از رفقای مجروح دیدار کرده و به
مصابحه نشستیم . رفیق از دانش آموز -
ان هوادار سازمان است که در جریان
تظاهرات با حدود ۱۳۰ همسایه بیماری
اعضای بدنش از جمله پاها - گونه کردن
ر به و... مجروح شده است و همچنین در
این جریان بدلیل فرورفتن سازه به
درون چشم رفیق یک چشمش را از دست داده
است . رفیق روحیه بسیار شاداب و انقلاب -
بی دارد و ملایمت و استواری کمونیستی او
در مقابل این همه جراحت و همه تراژدی
از دست دادن بینایی یک چشمش شگونی
است . با رفیق به صحبت می نشستیم :
۱۳ آبان : رفیق قبل از هر چیز راجع
به واقعه آنروز تظاهرات و انفجار رنار -
نیک و مجروح شدنت هرچه بخاطر داری بیا -
یمان توضیح بده .

رفیق مجروح : ساعت ۲/۵ که صف
تظاهرات حرکت کرد در ابتدای وعده ای از
رفقا در جلومف بودیم و هنگامیکه فالانژها
در جلو درب بزرگ دانشگاه قدم حمله به
صف را داشتند وقتی با مقاومت انقلابی
رفقا روبرو شدند آخرین حربه خود را بیگار
برده و با پرتاب یک نارنجک عده ای از رفقا -
را زخمی کردند که در این میان عده ای نیز
در طول راه بیمارستان شهید گردیدند .
در لحظه پرتاب نارنجک من متوجه صدای
انفجار شدم و وقتی توانستم بازور فرآ -
وان چشم خود را باز کنم چند رفیق دیگر

را دیدم که نقش بر زمین شده بودند خود
جلو چشم من دود سیاهی وجود داشت به
از آن متوجه شدم چیزی بمن اصابت کرده
است خواستم خودم را بسوی پناهه رویکتا -
نم ولی توان حرکت نداختم . تا بالاخره
عده ای از رفقا دست و پایم را گرفته و تا
فرخیابان کارگر در میدان انقلاب بردند و
در حالیکه مرا دوان دوان میبردند و شمار
این سنجناخت ارتجاع را میدادند به
آنجا رسیدیم و از آنجا با یک وانت بیمار
بیمارستان خمینی رفتیم . در مدتی که
فروانت بودم بهوش بوده و وقتی توانا -
نستم چشمانم را بگشایم خود را در کف یکی
از حالت های بیمارستان دیدم .

۱۳ آبان : از تجربیات بعد در داخل
بیمارستان می بخاطر داری ؟
رفیق مجروح : وقتی در بیمارستان
خواجیده بودم تا چشمانم را باز کردم عده -
ای از رفقا را مشاهده کردم که در بستاری
مرز خمیها بستاده و مشغول بازی رساندن
به آن رفقا (رفقای زخمی) بودند و به
علت تعداد زخمیها کار پزشکان و پرستاران
زیاد شده بود رفقا تا آنجا که میتوانستند
در امر کمک رسانی به مجروحین انفجار
نارنجک کمک فانیانی به مسئولین و پرستا -
- ران مینمودند تا آنجا که بیامی آورم عده
- ای از رفقا حتی کار بانمان . عمل
مجروحان به بخشهای دیگر آوردن و سایر
پزشکی را نیز انجام میدادند . وقتی خود
را روی تخت دیدم به این علت که خون
زیادی از بدنم رفته بود سرمی را بدستم
و مل کرده بودند اما در آن لحظه ر دیکه
بیش از همه محسوس و قابل تشخیص بود
برد پاره شدن ریه و خونریزیهای پایسم
بود و آن لحظات متوجه خدمات وارده به
چشم شدم .

پس از مدتی بهوش شدم و در حدود ساعت
۲ الی ۸ شب (همان دوشنبه ۲۱) با سر و
مدایی که بگوش میرسد بهوش آمدم و
آنطور که از عدها متوجه شدم خبر از حمله
وختیانه پاسداران سرمایه به بیمارستان
و مجروحین حادثه میداد که پاسداران
نه تنها رفقای را که برای کمک به
زخمیان به بیمارستان آمده بودند مورد
حمله و هجوم قرار میدادند بلکه پرستاران
و پزشکان را که ورودا قرار میدادند
بیمارستان را محکوم میکردند نیز مورد
آزار و اذیت خود قرار میدادند و حتی بخاطر
دارم که پاسداران به یکی از پزشکانی
که مانع ورود آنها به بخش میشد حمله
برده و خطاب به وی گفتند " اگر باز هم
مقاومت کنی شماره نظام پزشکی ات را
باطل میکنم "

واقعا که پاسداران سرمایه فقط با
تکیه بر زور و اطعمه نمیتوانند حاکمیت
خویش را اعمال کنند حتی در بیمارستان
ها !
اما جوی که در آنجا حاکم بود یک مبارز
زه عمومی ، مقاومت تمام مبارز علیه
هجوم پاسداران به بیمارستان بود . پاس -
داران نه تنها به دستگیری ، ضرب
و شتم رفقای که کمک میکردند پرداختند
بلکه تا آنجایی که من از پرستاران می -
شنیدم عده ای از مجروحین را نیز از بیمار -
ستان دزدیده بودند که این نشان میدهد
مزدوران رژیم حتی از بیگونی جان
وختیهای پاره پاره شده کمونیستها نیز
وخت دارند و بیجوده میتوانند ارتدیسا
دستگیری و ضرب و شتم آنها میکنند
آرمانهای آنها را نابود سازند .
۱۳ آبان : همونطور که خودت هم میدونی

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پی کار توده ها!

تودرجریان این حادثه بینایی بسک
چست را از دست داهی و بسفتی مجروح
شدی . چه احساسی داری ؟

رفیق مجروح : بی شک مبارزه طبقاتی
فرازونشیهای فراوانی دارد ، فرازو
نتیجهایی که کمونیستهای پیگیر در آن
آبدیده تر میشوند و در آن خود را برای نیکی
مبارزه بی امان طبقاتی مهیا میازند .
کمونیستها در این راه از دست دادن چشم
را مهم نمی شمارند بلکه حتی سینه ها
بیان را که مالامال از عشق به کارگران
وزحمتگشان است در مقابل گلوله های
سربلشمان کارگران ، زحمتگشان
و خلفها قرار میدهند . همانطور که در تمام
بی طول تاریخ کمونیستها نشان داده اند
که از سرگ در راه رهایی زحمتگشان
آبایی ندارند و همانطور که رفقای
کمونیست بیگاراگرمان : آدره و علیان ،
ابرج تراسی و وزگان رضوانیان جان
خود را در اینروز در راه آرمانهای
والایشان در راه نیل به جامعه ای
طبقه واری از استعمار و در راه رسیدن
به سوسیالیسم و کمونیسم فدا نمودند .

کمونیستها نه تنها از دست دادن چشم
را در راه رهایی کارگران وزحمتگشان
بی ارزش می شمارند بلکه در این راه جان
خود را بی مهابانها را انقلاب توده ها می
نمایند . من بخوبی میدانم که در یک
جامعه ای که سرمایه داری وابسته
کمیت دارد و هرروز کارگران وزحمتگشان
جان خود را از دست میدهند ، و در نظامی که
هرروز کمونیستها و انقلابیون سینه های
شان توسط مزدوران ارتجاع سوراخ سوراخ
میشود از دست دادن یک چشم برای بساز
شدن هزاران چشم که عاشقانه به فدرای
سرخ پیروزی ، به فدرای برقراری جمهوری
دمکراتیک خلق ، سوسیالیسم و کمونیسم
دوخته شده است نمیتواند ارزشی داشته
باشد .

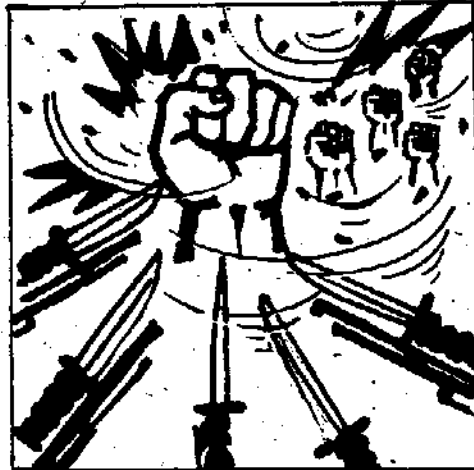
آری در تمام رژیمهای ضد خلقی و ارتجاع
هی کمونیستها باید اعضای بدو جانها
ن را فدا نمایند تا افق سرخ پیروزی
روشنتر و نزدیکتر گردد .
حال بگذار ارتجاع ددمنها نه کمونیستها
را به جوخه های اعدام بپسارند ،
به بند کشند و به زندان افکند و وضو
نمایند اما این اعمال سنگین نه تنها

ظلمی در اراده استوارانان پدید نخواهد
آورد بلکه آنان را آبدیده تر خواهد
کرد ، برای مبارزه های سخت تر و پرهیج
و خم تر .

من احساس میکنم از دست دادن بسک
چشم وقتی تا فدا و راست که هیچ نقشی
در آگاهی توده ها نداشته باشد و کسی از
دست دادن یک چشم نه تنها تا فدا و
وابد انگیز نیست بلکه افتخاری است
چرا که در راه آگاهی کارگران وزحمت
گشان از دست رفت است .

آبان : میدونی که در جریان این
حادثه جنایتکارانه سه رفیق گمان شهید
شدند . چه احساسی داری و نظرت راجع به
این جنایت قبیح چه ؟

کمونیستها برای شهادت رفقای شان



به سوگ نمی نشینند و اشک نیز نمی ریزند
بلکه با ادامه راهشان و مصمم تر گردیدن
در ادامه راه پادرفقای شهید را گرامی
میدارند شهادت ۳ رفیق کمونیست بیگارا
گردرجریان گرامی داشت اولین سالگرد
مقاومت انقلابی کمونیستها و توده های
آگاه در اول اردیبهشت ۵۹ ، نه اولین
برگ از جنایات بی پایان رژیم استور
بی شک آخرین آنها نیز نخواهد بود .

ارتجاع بیهوده خیال میکند که با
کشتار کمونیستها خواهد توانست آنان را
از ادامه راهشان بازدارد این دشمنان
قسم خورده توده ها باید بدانند که خون
هر رفیق پرجمی خواهد شد برای ادامه
راه خونین شان .
شهادت این ۳ رفیق بار دیگر نشان داد
که کمونیستها در راه آگاهی بخشیدن ن

به توده ها از فدا کردن جان نیز دریغ
نموزند . تنها با ادامه راه این رفقا
میتوان پاد آنها را گرامی داشت .

کشتار و حشیانه کمونیستها در ۳۱ خرداد -
دین سال ۶۰ توسط پاداران ارتجاع
لکه سنگ دیگری بر دامان رژیم ضد خلقی
جمهوری اسلامی نهاد اما ارتجاع که شیوه
قبلی اش را مبنی بر حمله و مقاومت
" مردم " در مقابل حرکت های انقلابیون
و کمونیستها افشا شده میدید شیوه تبلیغات
- تا جدید خود را در ادب و تلویزیون
و مطبوعات ارتجاعی برآوردند و با باز
نشود که برتاب نارنجک به میان مفسوف
راه پیمان توسط خود آنان صورت گرفته
است ؟ آخر چه کسی میتواند با و رکند کشتار
کمونیستها بجای از بین بردن دشمنان
دست به تانک خود زنده ارتجاع با این
عمل وحشیانه نشان داد که مانند همیشه
رژیمهای ضد انقلابی از آگاه شدن توده ها
حسی خراش ، کمونیستها را کشتار میکنند
و در مقابل به روی بیونیستها این گمان
بورژوازی آجا "زه" فعالیت " علمی
میدهد . حال بگذار ارتجاع مذبوحانه
دست به کشتار کمونیستها و انقلابیون
بزند لیک ما راجه پاک ، سوخت محنوم
رژیم جمهوری اسلامی نیز از دیگر رژیمهای
استعمارگر جدا نیست .

آبان : رفیق ! اگر برای ما بر رفقا
و ما برای رفقای مجروح بیای داری مطرح
کن

رفیق مجروح : پیام من به همه رفقای
زخمی این است که رفقا نشان دادند
که کمونیستها هر روزه را پذیرا میشوند تا
پیام خونین انقلاب را بگوش کارگران
وزحمتگشان برسانند . بی شک شما نیز
مانند هر کمونیست بیگاراگری در راهی که
قدم گذاشته ایداز هیچ سختی ای نمی
هراسید و به ارتجاع نشان خواهید داد
که با هر فریبهای تجربه اندوخته و آبدیده
تر میشوید بدون تردید شما نیز افتخار
خواهید کرد که در این راه خونین قدم
گذاشته اید و هیچ چیز نمیتواند سد ی
در راه ادامه مبارزه شان شود . مسکن
افتخار میکنم که خلق چنین رفقای محکم و
استواری در دام خود پیروزانده است رفقا -
بی که حتی در دست جراحت نیز مسازد
و در بر همه های دیگرش ادامه میدهند .
بقیه در صفحه ۴

توده‌ها، چماقداران را فراری دادند!

عمر روز یکشنبه ۱۲ اردیبهشت برای فروش نشریه به یکی از خیابانها رفتیم . جایی که فروش داشتیم هواداران راه کارگر و مجاهدین هم دگسه داشتند . یک ماشین کمیته تعدادی فالانژ (پاداران با لباس شخصی) را به محل آورد و آنها دیوانه وار به پاره کردن کتابها و متنها پرداختند . هواداران راه کارگر ما گنوت خود در مقابل این حرکات ارتجاعی - تزلزل خویش را نشان داده و باعث جری تر شدن فالانژها شدند . آنها با ده دگه هواداران مجاهدین حمله کرده و دو نفر را چاقو زدند . رفقای منا و دوستان مجاهد مست به افشاگری وسیع زده و مردم را به حمایت از خود

دعوت کردند و حدوداً ۷۰ نفر جمع شدند که همگی طبقه مزدوران رژیم شمار میدادند . هواداران سازمان بیگار و مجاهدین بنیان مردم رفتند و افشاگری می کردند . جالب آنکه روزیونیستهای خاش همانجا در میان مردم کار کمیته‌های تطهیر می کردند که با افشاگری ما و مجاهدین موضع گیری مردم بر علیه آنان مجبور به ترک محل شدند .

این واقعه بنا نشان داد که بسیاری از توده‌ها برای پذیرش افشاهای ما و برای حمایت از مواضع اصولی و انقلابی ما آمادگی دارند . و در چنین شرایطی ما وظیفه داریم که به گسترش هر چه بیشتر فعالیت

گزارش از يك روز كار در كه

روز چهارشنبه ۹ اردیبهشت بهمراه تعدادی از بچه‌ها به محل گذاشتن دگه‌مان رفتیم . کتابها را گذاشته ، تعدادی اعلامیه و نشریه برای پخش و فروش داشتیم . نمایشگاه اول ماه به و چند غنچه بزرگنویسی را به دیوار نصب کردیم . حدود نیم ساعت بعد چند نفر فالانژ به طرف دگه ما و دگه یکی دیگر از نیروها آمدند که با دیدن روحیه شعری رفقا مدتی ساکت ماندند تا مثل همیشه برایشان نیروی کمکی رسید که با تکبیر گفتن و ملسوات فرستادن به دگه ها حمله کردند . حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر از مردم محل جمع شده بودند . فالانژها که فقط شیمی از بزرگ نویسی ها را توانست بودند پاره کنند با دیدن روحیه بالای رفقا و مشت های گره کسره .

آنان که شعار " مرگ بر ارتجاع " را میدادند عقب نشینی کرده و یکی از آنها شروع به سخنرانی کرد که از طرف مردم هو شده . فالانژها که حدود ۱۵ نفر بودند شعار مرگ بر بیگاری می دادند که باز از طرف مردم هوشدند . آنان که وضع را چنین دیدند وحشیانه به میان مردم میزدند و نفس کش می طلبیدند . این حرکت های حیوانانه و دیوانه وار دشمنان آزادی و آگاهی هر چه بیشتر ما هیئتوزیم را افشا می کرد . فالانژها که خود را در مقابل تعرض مردم و حمایت آنان از نیروهای انقلابی و کمونیست دیدند . ساکت گوشه ای ایستادند تا ساعتها بعد مردم در گوته و کنار به دور بیگهای انقلاب گرد آمده و بیه حرفهای فرزندان راستین خلق گوش میدادند .



مان دست بزنیم و بخصوص باید که با روحیه مقاومت حیوانانه و تعرضی خود به توده‌ها نشان دهیم که به آرمان والای خود وفاداریم و در مقابل مزدوران رژیم تسلیم نمی شویم .

بقیه از ص ۱۲ برگزاری ۰۰۰۰

و هر روز پیش از روز قبل به آنان پست خواهند کرد . این برنامه بخوبی توسط دانش آموزان مبارز و انقلابی که شمارهای واقعی و خواستهای واقعی طبقه کارگر را بیان می کردند افشاء شد .



تهران

۱- نسرین سوم	۵۰۰ ریال
۲- شهره چهار ساله	۲۰۰۰ ریال
۳- پهل فلک	۲۰۰۰ ریال
۴- ف. بی	۵۰۰ ریال
۵- واحد صدی	۹۱۰۰ ریال
۶- واحد خوش کفا	۹۰۰ ریال
۷- واحد صدی	۶۷۵۰ ریال
۸- پ. ۱۸۲	۲۰۰۰ ریال
۹- د. د. ش	۱۵۰۰۰ ریال
۱۰- د. د. ش	۲۰۰۰۰ ریال
۱۱- د. د. ش	۶۶۰۰ ریال
۱۲- هفته سرخ	۱۵۵۰ ریال
۱۳- واحد دانشجویی "ش"	۲۱۰۰ ریال
۱۴- واحد پایه ۱.۵ ج. ش	۲۵۰۰ ریال
۱۵- هفته ۱.۵ ج. ش	۲۵۰۰ ریال

کمک مالی

۱- دو رفیق هوادار	۵۵۰	۲۰۰۰ ریال
۲- واحد	۴	۱۰۰۰۰ ریال
۳- تبریز		۱۰۰۰۰ ریال
۴- دبیرستان هوریه بازوگان		۲۰۰ ریال
۵- س		۲۰۰ ریال
۶- ف		۲۰۰ ریال
۷- م		۲۰۰ ریال
۸- م		۲۰۰ ریال
۹- ج		۲۰۰ ریال
۱۰- ف		۲۰۰ ریال
۱۱- رفقای هوادار دبیرستان		۲۸۰۰ ریال
۱۲- پروین		۲۸۰۰ ریال
۱۳- ر	۹	۵۷۰۰۰ ریال
۱۴- م	۳	۵۰۰ ریال
۱۵- پ	۳	۵۰۰ ریال
۱۶- مهستی تبریز		۱۰۰۰۰ ریال
۱۷- ع همراه با نامه		۲۰۰۰ ریال
۱۸- ش	ع	۲۰۰۰ ریال
۱۹- م		۱۵۰۰۰ ریال
۲۰- ن		۱۰۰۰۰ ریال
۲۱- ف		۲۰۰۰۰ ریال
۲۲- رفیق فرهاد هدیهات		رسید

بقیه از صفحه ۱۲ پیشگام ۵۵۵

صورت درس خود جزء مبارزه بحساب خواهد آمد). و با اینکه مطالعه علم را جدا از فعالیت مبارزاتی هر فرد در نظر می‌گیرید که در این صورت فکر نمی‌کنیم تیزی به توضیح بیشتر بران اشیا آهورتونیستی بودن شعار "هم درس، هم مبارزه" باشد! (۲)

اکنون در پایان مقاله، لازمست که از تمام بحثهای بالا جمعیستی بعمل آوریم. از نظر ما توجهیات "تئوریک" پیشگام برای اشیا شعار "هم درس هم مبارزه" هیچ نیست جز متعرف کردن بحث از صبر اطمین خود. ما در این مقاله تا آنجا که امکان داشت نشان دادیم که قضیه اساسا "بر سر ضرورت مطالعه علوم نیست. مسئله اطلاق ربطی به تبلیغ آموختن علوم و یا تکفیر آن ندارد بلکه که اختلاف بین ما و پیشگام را تشکیل میدهد. نه "طرفدار" علم بودن آنها و "مخالف" علم بودن ما. بلکه در اساس انحراف رویزیستی رفقا. در برخورد به آموزش و فرهنگ استعماری و ارتجاعی است. رفقا باید توضیح دهند که بالاخره آنها شعار "تا بود باد فرهنگ استعماری" را قبول دارند یا نه؟ تبلیغ درس خواندن از سوی رفقا، دقیقا "ریشه‌های سیاسی دارد و نه تئوریک در باب بهتر خورد کمونیستها به علم. انحراف رفقا نیز اساسا عبارتست از عدم موفقگیری قاطع در مقابل فرهنگ ارتجاعی بورژوازی که جلوه دیگری از گرایشات روپز-یونستی رفقای پیشگام است. گرایشاتی که رفقای پیشگام را به دام دیدگاه رویزیونیستی راه کارگر در مورد "هم درس، هم مبارزه" می‌اندازد. بی جهت نیست که رفقا علم بر علم تمام تلاش خود برای نشان دادن خرده مرزبندیهایی با راه کارگر. در این امر ناموفق بوده و حتی قادر به نشان دادن یک مسورد اختلاف اساسی خویش با راه کارگر نشده‌اند.

و زحمتگشان ایران افشا کرد.

این مراسم یکی از بهترین و موفق‌ترین برنامه‌هایمان در این روز بود. اجرای این مراسم که در مجموع با استقبال تودهای مواجه شد، دستاوردهای مهمی برای رفقا داشت.

از جمله اینکه در این مراسم رفقای ما هرچه بیشتر به نیاز تودها به آگاهی و ضرورت تبلیغ و افشاکری بشوهای ابتکار ری و بصورت هر چه وسیعتری بردند. دیگر اینکه توانستند در عمل چهره رویزیونیستهای خائن تودهای و اکثریتی و همچنین قالی‌بازهای مزدور را بیشتر به تودها شناسانند.

و سوم اینکه رفقا توانستند نشان دهند که کمونیستها با عزمی راسخ، با اعتقاد راسخ به اتحاد همه خلقهای جهان بر علیه امپریالیسم و ارتجاع و با عزمی سرخ و پایدار همچنان مبارزه خود در راه‌های کارگران و زحمتکشان و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق ادامه میدهند. زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان یکپار (جنوب تهران)

بقیه از ص ۱۳ فلسطین....

که با زدن تپتیهایی نظیر آمریکا و... به کمونیستها و مشخصا سازمان ما پیش از پیش‌خیانتش را به تودهای زحمتکش ثابت کند اما حناش در آن میان رنگی نداشت.

بعد از پایان برنامه در این محل رفقا به چهارراه صدق - قاطعی رفته و در آنجا حدود ساعت ۶ و ۲۰ دقیقه بود که مراسم آغاز گشت. طبرغم همه تلاش رویزیونیستها برای برهم زدن برنامه مردم بطرف رفیق سخنوان جلب شدند.

مراسم با سرود کوتاه فلسطین به پایان رسید.

آخرین محل چهارراه داس و چکش (کا-رگر و کشاورز) بود که به علت خلوت بودن محل، رفقا مراسم را در ایستگاه اتوبوس کارگر برگزار کردند. ساعت ۷ و ۲۰ دقیقه بود که رفیق سخنوان بالای چهارپایه رفت و پس از توضیحاتی (که عملی برپایی تراجسم رانشان میداد) سرود شهیدان با عزمی راسخ و با صدای رسا خوانده شد. در این میان یک فالانژ و یک فرد دیگر با سر و صدای خود میخواستند جلوی صحبت رفیق را بگیرند ولی مردم داد می‌زدند ساکت باش می‌خواهیم گوش دهیم.

رفیق با صحبتهای تودهای خود ارتجاع را در رابطه با خلق فلسطین و کارگران

بقیه از ص ۱

نیروهای مختلف فعال در جنبش دانش‌آموزی، هر یک به تبع خط مشی عمومی خویش، تاکتیکهای مختلفی را در این رابطه مطرح می‌نمایند و راه - چلهای گوناگونی را برای این منحل ارائه میدهند. روشن است که این مسئله از آنجا که مستقیماً نقش تعیین کننده‌ای در رابطه با فعالیت انقلابی هر مصلی دارد، باید مورد بررسی صیق و همه جانبه قرار گرفته و بر راه حل انقلابی بافشاری گزیده و بویژه مبارزه ایدئولوژیک فعالی با دیدگاههای انحرافی در این زمینه انجام گیرد. ما در شماره‌های سابق "۱۳ آبان" به این مسئله برخورد کرده و آن را از جوانب متفاوت شکافته‌ایم. ما سیاست خویش را در این مورد روشن ما خسته و مخالفت قاطع خویش را با تبلیغ دروس تدریس شده در مدارس رژیم، ابراز داشته‌ایم. ما نشان داده‌ایم کسانی که بر تبلیغ متون فرهنگ استعماری و ارتجاعی بورژوازی در کنار تبلیغ مبارزه می‌پردازند، در واقع و در عمل آشتی رساندن ارتجاع و انقلاب را در دستور کار خویش قرار داده‌اند. بر این مبنا ما به نظریات انحرافی و اپورتونیستی نیروهایش چون راه کارگر و پیشگام در این باره پرداخته و آنها را مورد نقد قرار داده‌ایم.

گفتیم که یکی از نظریات انحرافی در این باره متعلق به رفقای پیشگام (هواداران س. ج. ف. خ. - اقلیت) می باشد که ما نقد داریم در این مقاله بار دیگر به نظرات این رفقا پرداختیم. اما پیشگام چه می‌گوید؟ پیشگام معتقد است شعاری که هم اینک بایستی در جنبش دانش‌آموزی - تبلیغ کرد، عبارتست از " هم درس، هم مبارزه ". پیشگام نخستین بار شماره ۱۱ نشریه خود به این مسئله پرداخت و در آن سعی کرد اثبات نماید که درس و مبارزه نافی یکدیگر نیستند. بلکه بایستی در کنار هم به پیش برده شوند

پیشگام دانش آموز و تبلیغ دروس علمی!!

تا بتواند شعار اپورتونیستی مزبور را توجیه نماید. اینک پس از گذشت مدتی ما باز شاهد آنیم که رفقای پیشگام در نشریه خویش (شماره ۷) در برخورد به این مسئله بر انحراف خود پای فشرده نه تنها از برخورد انتقاد می به نظرات غیر پرولتری فوق اجتناب کرده‌اند، بلکه بر عکس و بدتر، بقصد " شکافتن " هر چه بیشتر مواضع خود، کثرت انحرافات را بوفوح آشکار ساخته و در پس عباراتی بظاهر مارکسیستی آنها تمسیق نیز بخشیده‌اند. مقاله " رابطه درس و مبارزه و دیدگاههای انحرافی از آن " مندرج در شماره ۷ نشریه پیشگام، با شکافتن نظرات این رفقا در این رابطه، بدفاع از آموزش ارتجاعی بورژوازی حاکم پرداخته و تا آنجا که توانسته آن را تطهیر نموده است.

در این مقاله پیشگام با طرح نظرات خود، به " نقد " دیدگاههای راه کارگر و ما (که بزم آنها اولی راست و دومی " چپ " است) پرداخته است. اساس بحث پیشگام در این مقاله برای اثبات شعار " هم درس هم مبارزه " آنست که کمونیستها باید از دستاوردهای علمی بشریت استفاده کنند و بدین منظور نیز نیاز مند آنند که درسهای دوران حاکمیت بورژوازی را بخوانند: " باید در بین کتب درسی شخصی بدیم کدام کتاب علیرغم استفاده‌ای که بورژوازی از آن میبرد میتواند از جنبه علمی برای ما مفید باشد: و " یک محصل باید به درس خواندن به

توان ابری که زمینه لازم را برای درک مقولات علمی و تاریخی جوامع طبقاتی برایش فراهم میکند و درک - پیچیدگیهای جامعه را برای او آسانتر می‌گرداند " دانش‌آموزان باید دروس علمی را فرا گیرند. این عمل زمینه مساعدی برای درک هر چه بهتر فلسفه فراهم می‌آورد. " (همان مقاله) چنانکه می بینید پیشگام معتقد است که مطالعه دروس علمی به " درک مقولات علمی و تاریخی جوامع طبقاتی " و " درک هر چه بهتر فلسفه علمی " کمک می‌کند و به این دلیل باید آنها را خواند و سپس با برخورد به نظرات ما که گویا " ضرورت آموزش علم برای دانش‌آموزان را نفی " می‌کنیم به این نتیجه می‌رسد که بایستی درس - خواندن را در بین خود دانش‌آموز تبلیغ کرد و شعار مناسب برای این تاکتیک نیز " هم درس هم مبارزه " است این است لقب کلام پیشگام. حقیقتاً بیبینیم آیا پیشگام در بخشهای خود تا کجا مارکسیسم و مصالح انقلاب را مد نظر دارد و کجا از آن جدا می - شود و انحراف اصلی او در کجاست؟ گفتیم که پیشگام بحث خود را از مسئله علم و ضرورت آموزش آن برای پرولتاریا آغاز می‌کند. برای آنکه ما بتوانیم برخورد همه جانبه ای به نظرات رفقا داشته باشیم، در - ابتدا لازمست که ببینیم علم چیست؟ ایدئولوژی کداست؟ چه رابطه‌ای بین ایندو وجود دارد؟ و بمعنای کلی بین علم و طبقات گوناگون موجود است؟ سپس به برخورد مشخص به دروس تدریس شده در مدارس استمران بپردازیم.

علم را در کلی‌ترین تعریف می - توان شناخت قوانین و روابط متقابل اشیا و پدیده‌ها دانست. می‌دانیم که در طبیعت، جامعه و ... قوانین معینی عمل می‌کنند که خارج از اراده انسانها هستند. مثلاً زمین به دور خورشید می‌گردد، الکترون بدور هسته

فرهنگ استعماری نابود باید گردد!

خوبش را با پیشرفت علوم و اکتشافات در تضاد می‌دیدند. آنان در پیشرفت علوم، پایان تمامی آن‌ها را ندیده‌اند. آنها در اکتشافات نوین علمی، فروریختن توهّمات زحمتکشاران در مورد مقدس بودن خود را می‌دیدند و بهین دلیل نیز با تمام توان به جنگ علوم می‌شتافتند. درست‌بسر عکس‌است بر خورد یک طبقه انقلابی به مسئله علوم.

هر طبقه‌ای تا آنجایی خواهان گسترش آگاهی نسبت به قوانین پدیده‌ها می‌باشد که با منافضش در تضاد قرار نگیرد و تنها پرولتاریات کسبه خواهان رشد و گسترش بی وقفه علوم است.

بطور اجمال می‌توان این مسئله را چنین بیان داشت که طبقات مختلف اگر چه قادر به تفسیر دادن محتوای علوم نیستند، لکن می‌توانند در تکیه ط آن تا شهر مثبت و یا منفی باقی گذارند. یک طبقه تاریخی مترقی در

این جهت تا شهر مثبت و یک طبقه ارتجاعی تا شهر منفی دارد. در عصر ما بطور مشخص، این تنها پرولتاریا است که مطلقاً خواهان گسترش علوم است چرا که او تنها طبقه انقلابی این عصر است و برای در هم شکستن سرمایه‌داری و بنای سوسیالیسم، نیازمند

علوم مختلف است. حال آنکه بورژوازی در عصر ما که طبقه ای ارتجاعی است، مزاجاً بطور نسبی خواهان گسترش علوم است چرا که از سویی برای نیاز تولیدات خویش به تکنیک و

نیازمند گسترش علوم است و اما از دیگر سوی برای جلوگیری از تبیین تکامل و ... جلوگیری تکامل علم را می‌گیرد.

حال با توجه به تمامی بحثهای بالا ضروریست که ما بطور مشخص به وضعیت نظام آموزشی در ایران پرداخته و جایگاه علم را در آن مشخص کنیم. ما معتقدیم که بخشی از مواد درسی که در مدارس آموزش قرار می‌گیرد، علمی است. یعنی اینکه بیان قوانین عینی طبیعت و ... است. این بخش

پیشگام دانش آموز و تبلیغ دروس علمی!!

می‌دهد که فلان میکروب ناقص فلان بیماری است. راه مداوی بیماری ... داروی لا است و چنانکه می‌بینید نمی‌توان گفت که مثلاً فلان راه درمان، راه ضد انقلابی و بورژوازی است و راه دیگر انقلابی و پرولتری.

حتی زمانیکه پرولتاریا نیز به قدرت برسد، هرگز این قوانین تفسیر نخواهند کرد، بلکه بحال خود خواهند ماند. نتیجه معینی که از اینجا گرفته می‌شود آنست که علم بخشی از ایدئولوژی نیست ایدئولوژی عبارتست از مجموعه دیدگاه‌های فلسفی، سیاسی، اخلاقی، هنری و حقوقی یک طبقه معین طبقه فئودال ایدئولوژی متعلق به خویش را دارد. طبقه بورژوازی ایدئولوژی متعلق به خود و طبقه کارگر نیز همین طور. یعنی هر کدام از اینها مجموعه نظریات فلسفی، سیاسی، حقوقی، هنری و اخلاقی معینی را دارند.

اما این امر یک جنبه قضیه است. اینکه فهمیدیم علم مستقل از طبقات بوده و فی نفسه خلقت طبقاتی ندارد. باید بدانیم که طبقات مختلف چگونه بر خوردی به علم دارند؟ آیا همه طبقات به یک اندازه در رشد و گسترش علوم دینفتمند یا نه؟ ما می‌گوییم این سؤال منفی است. اما چرا؟

چرا فئودالها و دولتشان با گالیله و آنتالوی سر ستیز می‌داشتند؟ پاسخ این سؤال همینست. چیز نیست جز اینکه آنها منافع

انتم می‌گردید، دو اتم شیدروژن و یک اتم اکسیژن تولید مولکول آب را می‌کنند، تولید سرمایه‌داری بر مبنای کسب ارزش اضافی عمل می‌کند. و این قوانین هیچکدام به اراده این یا آن انسان تغییر نمی‌خواهند کرد. طبقه فئودال چه بخواهد و چه نخواهد همین به دور خورشید می‌گردد، حال اگر به‌خاطر بیان این حقیقت، گالیله را به محاکمه نیز بکشند. بورژوازی حال هر چه می‌خواهد ادعا کند، لیکن تولید سرمایه‌داری بر مبنای کسب سود و تحصیل ارزش اضافی می‌چرخد. اینکه فلان یا بهمان طبقه کشف فلان قانون را به‌خورد خود ببینند یا نه، تا شهری در محتوی این قانون عینی نخواهد داشت.

وظیفه علوم دقیقاً شناختن و تبیین این واقعیات عینی است. ضرورت کشف این قوانین عینی نیز دقیقاً بواسطه نیاز انسان است. انسان برای غلبه بر طبیعت نیاز دارد تا قوانین آن را دریابد و بدین منظور علوم طبیعی تدوین می‌گردد. در سایر رشته‌ها نیز همین شکل. بنابراین علم و وظیفه دارد تا این قوانین عینی را کشف نماید.

نتیجه منطقی که از بحثهای بالا بدست می‌آید اینست که علم به خودی خود جنبه طبقاتی ندارد. علم خارج از طبقات قرار دارد (با وجود ارتباط با آنها که در پایین به آن خواهیم پرداخت). برای مثال باز میتوان به قضیه گردش زمین به دور خورشید اشاره کرد. هنگامیکه گالیله به کشف این مهم نائل آمد، طبقات ارتجاعی بدست و پا افتاده‌اند. او را به پای سیز محاکمه کشیدند، لیکن تمامی حرکات مترجمین هیچ تا شهری در این امر که قانون گردش زمین به دور خورشید، یک قانون عینی و در عین حال علمی است، نگذاشت با علم پزشکی را در نظر بگیرد. این علم مثلاً توضیح

پیشگام دانش آموز و تبلیغ دروس علمی!!

علمی را میتوان در کتابهایی چون فیزیک، شیمی، و ریاضیات یافت. اما در اینجا بایستی بلافاصله چند نکته را توضیح داد:

اول اینکه همین دروس فیزیک و شیمی و ... نیز که دارای جنبه های علمیانه، خود پر از مدها و مطالب ضد علمی نیز میباشند که بورژوازی بنا بر منافع خویش در آن گنجانده است. اگر قبول داریم که بورژوازی ارتجاعی نقشند کننده در مقابل پیشرفت علوم داشته و مانع گسترش سریع، وسیع و همه جانبه آن می-گردد، بنابراین نمیتوان انتظار داشت که در مدارس خود عالیهترین و بالاترین سطح آموزشی را تدبیر می نماید. کما اینکه شاهد آنیم که کتب "علمی" مدارس ایران در اساس خود سالیانه که تغییر میگردانند و این نظر بسیاری از دستاوردهای نوس علوم را نه تنها با خود ندارند، بلکه پر از مدها و مدها نکته ضد علمی میباشند.

ثانیاً، اکثر دروسهای مدارس بر خلاف آن دروس پیوی جز منتهی لافاغات ارتجاعی نیستند که فاقد هر گونه خصلت علمیاند. دروسهایی مثل ادبیات، هنر، دینی، اجتماعی، تاریخ و ... که هیچ سودی محسوس پرولتاریا و کمونیستها ندارند.

دروسهای فوق اساساً "همان جنبه علمی دروسهایی چون فیزیک، شیمی و ... را نیز ندارند و مطلقاً ارتجاعی و ضد علمیاند. ما در پایین به این مسئله باز هم خواهیم پرداخت. فقط در اینجا این نکته را توضیح میدهم که بعنوان مثال ادبیات، هنر، دینی، و ... جز ایدئولوژی اند و ربطی به علوم نداشته؛ بلکه فقط بیان ایدئولوژی ارتجاعی بورژوازی میباشند. همین طور دروسهایی مثل تاریخ و ... که فاقد هر گونه پیش علمی در سر-خورد به واقعیات تاریخی بوده و

همانطور که مارکس و انگلس، آموزگاران کبیر طبقه کارگر با مطالعه علمی علوم دوران بورژوازی، توانستند گنجه پیمان تا پذیر فلسفه مائریالیسم دیالکتیک را جسمندی نمایند، تمام کمونیستها نیز موظفند که نه تنها از جریان پیشرفت علوم عقب نمانند، بلکه به مطالعه و فراگیری آنها پرداخته و از پیشرفت آن در جهت اثبات هر چه روشنتر خالصیت نظرانشان استفاده نما-

یاند. کمونیستها همچنین از توده ها نیز نمیخواهند که علم را فرا نگیرند بر عکس آنها از توده ها میخواهند که هر چه بیشتر و بهتر، پیشرفته ترین دستاوردهای علمی را مطالعه کنند و بر آگاهی های علمی خویش بیفزایند.

اینک با توجه به نقطه نظرات خویش که در بالا توضیح دادیم، ببینیم انحراف منضم پیشگام چیست؟ گفتیم که پیشگام تحت لوای مطالعه علوم، درین را در میان توده دانش-آموز تبلیغ می کند. اما ما چنانچه سؤال از رفقای پیشگام داریم:

۱- ما از پیشگام میپرسیم، این درست که باید علوم را مطالعه کرد، ما هم موافقیم و هرگز دانش آموزان را به فرا نگرفتن آن نه تنها تشویق نمیکنیم، بلکه خواهان مطالعه علوم در تمامی عرصه های آن هستیم و بدین منظور بهترین کتب علمی در دسترس را پیشنهاد می کنیم. لیکن سؤال ما از پیشگام اینست هنگامی که این همه کتب علمی گوناگون که مدها مرتباً بهتر از دروس مدرسه است، در دسترس همگان موجود است، چرا رفقا به دروس مدرسه چسبیده اند؟ آیا کتب علمی دیگری موجود نیست که از بسیاری جنبه های ضد علمی کتب درسی مدارس شهری است؟ آیا انبوهی کتاب علمی در تمام زمینه های فیزیک، شیمی، علوم طبیعی، تکامل، روانشناسی، اقتصاد، تاریخ و ... وجود ندارد که بر مراتب مطالب عالیهتر علمی را به دانش آموزان ارائه میدهد؟ آیا برای مطالعه علوم

صرفاً "متد تاریخ نویسی بورژوازی را بنمایش می گذارند.

ثالثاً سیستم آموزشی حاکم بر مدارس ایران در کلیت خود سیستمی ارتجاعی است. فرهنگ حاکم بر این مدارس کاملاً استعماری و ارتجاعی است و بنابراین همان محدود مسواد درسی علمی نیز در چهار چوب این سیستم ارتجاعی و استعماری گنجانده شده اند.

اگر می پذیریم که مدارس و دانشگاه های ایران برای تأمین نیاز بورژوازی به متخصصین وارد در امر راه اندازی سیستم سرمایه داری و است کار می کنند، بنابراین طبیعی است که بورژوازی آنچنان سیستم آموزشی ای را بر این مدارس تحمیل نماید که صرفاً "در خدمت تربیت نوکران و کار-گزاران او باشد و این سیستم آموزشی با بقول معروف "فرهنگ استعماری" نمیتواند یک سیستم بیخایت ارتجاعی نباشد و بنابراین همان دروسهای محدودی که جنبه های علمی نیز دارند، در چهار چوب این سیستم آموزشی قرار داشته و تابع مقتضیات آنند. از تمام بحثهای بالا اینک میتوان به نتایج زیرین دست یافت:

کمونیستها تنها نیرویی هستند که واقعا "و کاملاً" مدافع علومند. علم و گسترش آن بحال هیچ جریان اجتماعی دیگری به اندازه کمونیستها مفید واقع نخواهد بود و به این دلیل کمونیستها بیشتر از هر نیروی دیگری خواهان تکامل علوم و فراگیری آنند.

پیشگام دانش آموز و تبلیغ دروس علمی!!

اینست که شما با تبلیغ درس خواندن، مطالعه این خرافه های ضد علمی ساخته دست باهنرها و بهشتی ها را تبلیغ می کنید؟ و همین طور است مورد اکثر درسها مثل تاریخ، تعلیمات اجتماعی، روانشناختی، اقتصاد و... (۱)

اما سوال آخر ما از رفقای پیشگام اینست که اگر شما مطالعه علوم را در جهت مبارزه انقلابی دانش آموزان فقیدارزیاسی می کنید، پس دیگر چرا آن را از مبارزه جدا می کنید؟ مگر نه اینکه مطالعه شوریک کتب مارکسیستی بخشی از وظایف مبارزاتی هر دانش آموز کمونیستی است؟ پس چرا مطالعه علوم بخشی از مبارزه انقلابی نیست؟ و در حالت بیشتر نیست. شما مطالعه علم را جزئی از وظایف مبارزاتی هر دانش آموز انقلابی میدانید که در این صورت دیگر دادن شمار "هم درس هم مبارزه" چه مفهومی دارد؟ (روشن است که در این بنده در ص ۸

نوبه خود بخشی از ایدئولوژی است و بنابراین ادبیات تدریسی در مدارس ایران نیز نمی تواند جزئی از ایدئولوژی بورژوازی و ارتجاعی حاکم نباشد. ادبیات علم نیست، بلکه بخشی از ایدئولوژی است و بنابراین شما با تبلیغ کل دروس جز اینست که به تبلیغ ایدئولوژی ارتجاعی بورژوازی در غلبه اید؟ و با درسی چون تعلیمات دینی، یعنی مذهب و مذهب نیز باز بخشی از ایدئولوژی است. حال آنها جز زبورویس

کدامیک از این ها بهتر است. پس پیشگام باید پاسخ دهد که چرا بجای دادن رهنمود برای خواندن این کتب علمی، به درس مدرسه چسبیده و آن را بگانه راه کتب علم وانمود می سازد؟ اگر واقعا مسئله پیشگام، فراگیری علوم در جهت کعب ذرک روشن از "مقولات علمی و تاریخی" و "فلسفه علمی" است، چرا بجای تبلیغ آنچه بحسب "شوریک" پیغامون علم و ضرورت آموزش آن، صرفا "توجهی است برای شعار اپورتونیستی رفقا؟! "

۲- و اما گذشته از اینکه پیشگام چرا به این دروس چسبیده و آنچه کتب علمی را به "فراوشی" سپرده است ما سوال دیگری نیز داریم و آن اینکه رفقا! شما پاسخ دهید که آیا تمامی دروس مدارس را علمی میدانید یا نه؟ حتی اگر بپذیریم که مسئله شما صرفا "بخشهای علمی دروس مدارس" است، پس چرا دیگر کل درس و کل سیستم آموزشی در شمار فوق تبلیغ کسرده و توده ها را به خواندن آنها فرا می خوانید؟

اگر بخشهای دیگر دروس ضد علمی و ارتجاعی اند (که هستند)، آیا جز اینست که شما با شعار خود آب تطهیر بر سر آنها میریزید و به تبلیغ آنها می پردازید؟ آری منظور ما درسهای چگونگی ادبیات، تاریخ، دینی، روانشناسی، اقتصاد و... است که اکثر مجموعه دروس دانش آموزان را نیز در بر می گیرد. آیا شما این دروس را علمی میدانید؟ اگر نمی دانید که در این صورت تبلیغ آنها جز تبلیغ ایده های ارتجاعی در نزد توده ها معنی نمیده و اما اگر آنها را نیز علمی میدانید (که البته چنین بنظر میرسد)، دیگر بحث ما با شما نه بر ضرورت یا عدم ضرورت مطالعه علوم، بلکه بر سر تشخیص علمی یا ضد علمی بودن مواد درسی دور میزند. ما معتقدیم که قیال مثل درس

(۱) رفقای پیشگام در اشبات نظریات غریبی، به نقل قولی از رفیق لنین استناد کرده اند حاکی از اینکه: "می گویند مکتب قدیم عبارت بود از- مکتب کتاب، مکتب تابه، مکتب محفوظات طوطی وار، این صحیح است. ولی باید بتوانیم فرق بین آنچه که در مکتب قدیم برای ما بد است و آنچه را که برایمان مفید است از هم تمیز دهیم و آنچه را که برای کمونیسم ضرورت دارد برگزینیم" و اینکه "در عین نفی مکتب قدیم، این وظیفه را وجه هست خود قرار داریم که از آن فقط آنچه را بگیریم که برای ما لازم است تا بوسیله آن بتوانیم به آموزش واقعی کمونیستی نائل آسیم" (لنین - وظایف سازمانهای جوانان) و سپس از این نقل قول چنین نتیجه گرفته اند که شعار "هم درس، هم مبارزه" صحیح است. حال آنکه منظور لنین در این جمله اساسا "چیز دیگری است. این مقاله لنین در دوران انقلاب اکتبر و در دوران ساختمان سوسیالیسم نوشته شده و منظور لنین از جمله "فقط آنچه را بگیریم که برای ما لازم است..." فقط همان جنبه های علمی که در دوران حاکمیت بورژوازی بشر بدان دست یافته است میباشد. خود لنین در این رابطه در همان مقاله میگوید: "مکتب قدیم خدمتگزارانی تهیه میکرد که برای سرمایه داران لازم بودند، این مکتب از مردان علم افرادی درست میکرد که مجبور بودند طوری چیز بنویسند و سخن بگویند که باب طبع سرمایه داران باشد. از اینجا نتیجه میشود که ما باید این مکتب را از میان برداریم." (لنین - وظایف سازمانهای جوانان). روشن است که لنین برای آموزشهای بورژوازی در مورد تاریخ، اقتصاد و... جنبه علمی قائل نیست چرا که اساسا قوانین عینی در این زمینه ها با منافع سرمایه داران در تضاد است و آنها جلوی اشاعه آموزشهای علمی در این زمینه را می گیرند.

(۲) ما سابق بر این نیز در برخورد به نظریات راه کارگر نوشته بودیم "افتای ماهیت استعماری آموزش و ارائه نظریه انقلابی در مورد علوم مختلف از فیزیک، شیمی و... گرفته تا تاریخ، اقتصاد و... بخشی از مبارزه علیه بورژوازی میباشد." (۱۳ آبان - شماره ۵۵)

ادبیات، درسی ارتجاعی است و هیچ ربطی به علم ندارد. چرا کتب ادبیات بخشی از هنر و هنر نیز به

راسخ حرکتیهای ضد خلقی ارتجاع را افشا می‌کنند. آنها در طول مسیر برای مردی که صدای تیراندازی توجیهشان را جلب کرده بود، توضیح میدادند که چگونه ارتجاع نمیتواند اعلامیه‌های افشاگرانه و

سرودهای سازمان توسط گروه گرسخوا - نده شد. سپس رفیق بلخ دوباره به بالای چهارپایه رفته و در مورد این روز و حرکت صهیونیستی اشغال فلسطین که خود زاده امپریالیسم جهانی بود صحبت کرد. رفیق در این میان از پیوند مبارزاتی و انقلابی مشترک بین خلقهای ایران و عرب و کلیه خلقهای جهان صحبت کرده و از مواظبت رژیم جمهوری اسلامی سخن گفت. رفیق برای مردم صحبت کرد که رژیمی که یکی از مبارزان پیگیر راهبرای

با فرا رسیدن ۲۵ اردیبهشت (۱۵ ماه مه) ۳۳ سال از اشغال فلسطین در سال ۱۹۴۸ میگذرد. همچنین مناسبت روز شنبه ۲۶ اردیبهشت سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار (جنوب تهران) برنامه‌های را در چندین قسمت شهر اجرا کردند. شروع برنامه (مراسم) از چهارراه جمهوری - کارگر بود. بر سر این چهارراه رفقای هوادار سازمان پیکار این ساعت و دکامی را برپا کردند.



گزارشی از اجرای

میتینگ خیابانی

به مناسبت سی و سومین سالگرد اشغال فلسطین :

حرفهای انقلابی را تحمل کند. آنها توضیح میدادند که چگونه این پاسداران سرپایه از آگاهی نوده‌ها وحشت دارند. چنانکه آگاهی نوده‌ها آغاز مرگ ارتجاع میباشد. پس از پراکنده شدن رفا و آنها مسرورا بطرف میدان ولی عصر ادامه دادند. در يك ضلع آن مردم گروه گروه مشغول بحث بودند و رفا حمل را برای اجرای مراسم مناسب تشخیص دادند.

ساعت ۲۰ دقیقه به ۶ بود که رفیق دیگری از چهارپایه بالا رفته و مراسم را با فراخوانی آغاز کرد. بزرگی توجه افراد بحث کننده و مردم رهگذر به این رفیق و صحبتهايش که با صلابت بلشویک وار ادا میشد جلب شد. مراسم با همان روال قبلی ادامه پیدا کرد. در حین صحبتهای رفیق يك رویزونیست توده ای فریاد زد مرگ بر آمریکا و باطلوغ بازی خواست مراسم را بهم بزند که با برخورد موقع مردم و رفقای ما نتوانست موفق بانجام این امر شود. اگرچه بسیاری تلاش کردند

رفتن به فلسطین (رفیق محسن قاضی) دستگیر میکند نمیتواند ادعای مبارزه ضد امپریالیستی و حمایت از مبارزات خلق فلسطین را بکند. رفیق برای مردم گفت رژیم که مبارزات انقلابی خلقهای کشور خود را سرکوب میکند، نمیتواند از خلق فلسطین حمایت نماید. رفیق از سزگان رضوانیان، سومین شهید دانشگاه در سال ۶۰ یاد کرده و از کینه طبقاتی او نسبت به سرمایه داری و ارتجاع سخن گفت. در پایان سرود یادیاران هوادار رفقای در بند و شهید خوانده شد و شعار فلسطین فلسطین، متحد خلق ما آمریکا، ارتجاع دشمنان خلق ما داده شد. جالب توجه بود که حرکت فالانز مزبور نه تنها مورد حمایت توده‌ها قرار نگرفت، بلکه کاملاً از جانب آنها محکوم شد. بعد از این برنامه رفا پراکنده شده و بطرف چهارراه کالج حرکت کردند. هنوز چند دقیقه از رسیدن رفا به این محل نگذشته بود که پاسداران سرمایه داری - س بدست شروع به متفرق کردن مردم بحث کننده کردند. این مقاومت منجر به تیسر اندازی هوایی گشت و رفقای ما با همزسی

با نصب ازالید به دیوار جمع شدن ده‌های از مردم چهارپایه در بین جمعیت در پیاده رو گذاشته شد و رفیق بلخی بالای چهارپایه رفته و با صدای محکم و رسا فریاد زد: کارگران! زحمتکشان! مردم قهرمان ایران! ما هواداران سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار به مناسبت

سی و سومین سالگرد اشغال فلسطین برنامه‌های بریتان داریم. با این فراد خون ده‌های از مردم کفاز پیاد مرو زد میشدند و یاد صف اتیوس بودند. رفیق جمع شدند. در همین هنگام يك فالانز حرفهای که بقان محل شافت میبود و کار حمل را بپسیده داشت بطرف ازالید رفته و قسمتی از آن را پاره کرد کفاین حرکت ضد انقلابی وی با مقاومت رفقای هوادار و مسردم و پوروشد موفق بانجام این عمل نشد و بناچار محل را ترک کرد. با اعلام برنامه از جانب رفیق، پیاد شهیدان فلسطین و کلیه شهیدای خلقی های جهان سرود شهیدان از مجموعه

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق



بقیه از ص ۱۶ / جمله
 جلوگیری از کار آگاهانه دانش آموزان انقلابی و کمونیست به شمر برسانند دست به این عمل و حشانه زده و پس از ضرب و شتم دانش آموزان انقلابی عده زیادی را دستگیر کردند. این عوامل سرمایه به خیال خود میخواستند بر سرکوب دانش آموزان انقلابی و کمونیست، کنترل راههای ورودی شهر، چهارراهها و خیابانها را نیز بگیرند و از نزدیک شدن مردم به محل جلوگیری کنند تا توده ها شاهد جنایات و شکنجه های وحشیانه شان نباشند. اما بالاخره اعتراضات مردم باعث شد که رژیم پادشاهی مجبور به آزاد ساختن تعدادی از دانش آموزان زندانی گردد و آنها را از بندرها کند. اما هنوز هم تعدادی از زندان بسر میبرند و هدای از آنها در خطر اخراج قرار دارند.
 محصل زندانی، از زندان ارتجاع، آزاد باید گردد.
 زندانی سیاسی، بهیچ توده ها، آزاد باید گردد.
 ۶۰/۲/۱۲

روز کارگر در مدارس کرمانشاه

۱- پیروان اعتضامی دخترانه

مراسم با نصب پوسترهای سازمان در ارتباط با روز کارگر شروع شد. که ناظم مدرسه با حالت صمیمی پیش آمده و قصد کندن آنها را داشت اما با اعتراض و مقاومت دانش آموزان انقلابی مواجه گشته و عقب نشینی نمود. سپس مقاله ای به مناسبت مقاومت دلاوران کارگران در روز کارگر قرائت گردید و استقبال آن سرود کارگر بحیرت و شگفتی جمعیت خوانده شد. در این بین ناظم مرتجع باز هم به قصد کندن پوسترها وارد عمل شده که بار دیگر مقاومت انقلابی دانش آموزان حرکشان را عقیم ساخت و نتوانست

کاری انجام دهد. در ضمن انجام مراسم اعلامیه های روز کارگر تشکیلات سازمان بیکار کرمانشاه پخش گردید. ضمناً پلاکارد "خجسته باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران" در کنار طرح سازمان برای اول ماه مه خود نطای میگرد. مراسم با خواندن سرود انترناسیونال پایان گرفت.

۲) جلال آل احمد دخترانه

شنبه ۶۰/۲/۱۲ - مراسم بدنیا ل نصب پوسترهای سازمان و خواندن سرود انترناسیونال آغاز گشت. سپس مقالهای بهمین مناسبت قرائت گردید و پس از آن شمارهای "در سنگر کارگر" و "سازش" و "نه تسلیم" و "تیرد با ترمینگ" و "نبرد با ارتجاع" و "زحمتکشان ایران" بر میکشند. قریباً دیگر بر سر است گسترانی دیگر بر سر است بیکاری، "از جنگ اجتماعی زحمتکشان بپسازند" و "دولت یون آواره نان و مسکن ندارند" و ".....". کارنامه دو ساله حکومت، کتک در کردستان و "....." داده شد.
 مراسم با شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" و خاتمه یافت. در طول آن پلاکارد "خجسته باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران" در اهتزاز بود و اعلامیه های راجع به همین روز وسیعاً پخش میشد.

۳) دبیرستان آزادی (دخترانه)

شنبه ۶۰/۲/۱۲ - پخش اعلامیه های سازمان به همین مناسبت و در رنگ تفریح آغاز مراسم را اعلام می نماید و بدنیال آن زلفا پوسترهای سازمان را نصب نمود و پلاکارد اول ماه مه را با اهتزاز در می نیاورند و شعارها شروع میشود:
 "اتحاد، مبارزه، پیروزی"
 "کارگر، کارگر، زنده بگارتونیم"
 "از قحطی و گرانی، از جنگ ارتجاعی، مردم به تنگ آمدند". کارنامه دو ساله حکومت و گرانی بیکاری، سرکوب در کردستان و
 پس از گذشت مدتی مراسم بدون درگیری خاتمه میابد.
 از کتب استاد سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

برگزاری اول ماه مه در دبیرستان گلرنگ

روز ۵ شنبه ۱۰ اردیبهشت بمناسبت روز جهانی کارگر از طرف کمیته هماهنگی دبیرستان گلرنگ برنامه ای جهت بزرگداشت این روز اجرا شد. این همگاری بدین صورت بود که نیروهای گوناگون پوسترها، نمایشگاهها و ازالیدها و نوشته های متعلق به سازمان خود را به دیوار زده و کلیه رفقا بدور آن زنجیر بسته بودند زیرا که همیشه انجمن اعلامی با یورش مغول وار خود در مدد جلوگیری از بردن آگاهی بدرون دانش آموزان هستند. اعلامیه های سازمان بیکار و و دعوت به نظرات پخش شد. شمس "جهان کمونیست" توسط رفقای سازمان چریکها خوانده شد و در حین برنامه متنی که توسط هواداران سازمان بیکار تهیه شده بود قرائت گردید که با شعار "زنده باد سوسیالیسم و زنده باد کمونیسم" خاتمه یافت. چند سرود از طرف کمیته هماهنگی از جمله سرود اول ماه مه تمییز شده بود که خوانده شد. حدود ۱۰۰ نفر از دانش آموزان جمع شده بودند. جانب آنکه ضد انقلاب هم توسط ایادی خودش در مدرسه (انجمن اعلامی) برنامه اجرا کرد که همچون تمامی برنامه هایشان جز بوظیفه و نصیحت سرمایه داران و دهنشوت کارگران به پشتیبانی از رژیم که بجای بود ویژه به آنان گلوه، عیدی میدهد و در عمل دست سرمایه داران را می فشارد، چیزی برای گفتن نداشتند. کارگران را دعوت به کار بیشتر کردند تا بلکه سرمایه داران بتوانند بیش از آنچه تا کنون خویشتان را مکیده اند آنان را استثمار کنند. آری بزرگداشت روز کارگر را به تبلیغی به نفع رژیم حامی سرمایه داران و فریب کارگران تبدیل کرده بودند. ولی آنان باید بدانند که کارگران قهرمان ما در جریان مبارزات خود بخوبی چهره آنان را شناخته بقیه در ص ۲

رفقای واحد ۳ دانش آموزی شرق

رفقا! همانگونه که گفته‌ایم نقد نظریات غیر پرولتری سهند بر عهده سازمان است. روی بحث ما نیز در آن مقاله با سهند نبوده و از همینرو تنها در چند خط مواضع آنان را که در تضاد با نظریات پرولتری در رابطه با انقلابات بورژوا - دمکراتیک است بیان کردیم. در رابطه با معرفی کتابهایی در رابطه با مطالب صفحه آموزش سیاسی، از این پس می‌گوئیم تا حتما کتابهایی را همراه با مقالات آموزشی به رفقا ارائه دهیم و در برنامه‌هایی نیز در رابطه با آنها تهیه کنیم.

دستان را پر شور می‌فشاریم!

رفقای سهند دانش آموزی م.ج

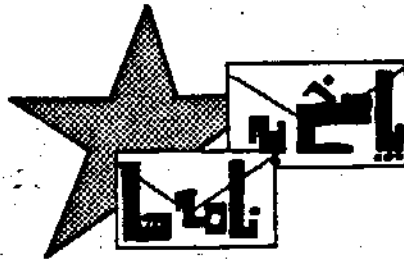
تیراژ

نامه شما را در رابطه با غیر کرد "۱۳ آبان" به رفقای توزیع تحویل دادیم. پاسخ این رفقا را بسیار در نشریه چاپ می‌کنیم و ما برای رفقای مسئول آذربایجان می‌فرستیم!

چرخند را قبول ندارید؟

دوست عزیزمان رقیبه همراه کمک مالی خود در نامه‌ای به ما می‌نویسد " این مقدار پولی که من به ۱۳ آبان فرستادم از معدنی اسفال خود جمع کرده‌ام. هدفم این است که بسه روزنامه ۱۳ آبان کمکی کرده باشم و بتوانم با این پول خیلی کم در راه روشن کردن مردم کوشا باشم و مردم را به آزادی نهایی برسانم. می‌دانم این مقدار پول خیلی کمی است ولی برای یک دانش آموز فکر می‌کنم کافی باشد.

باید بگویم که من هوادار هیچ گروهی نیستم و فقط می‌خواستم به روزنامه شما کمکی کرده باشم. من میدانم که شما خدا را قبول ندارید به همین خاطر هوادار شما نیستم ولی از طرف دیگر شما حق را می‌خواهید یعنی همه باید با هم برابر باشند و سرمایه‌دار و فقیبر



وجود نداشته باشد. من می‌خواستم شوالی از شما بکنم: "چرا شما خدا را قبول ندارید؟" دوست عزیز! رقیبه!

اولاً از اینکه دوست انقلابی چون تو داریم که طیف‌مغز اختلاف نظرات صحنی با ما در هدف نابودی سرما - به‌دار آن با ما همراه است، خوشحالیم. مسئله‌ای که مطرح کرده‌ای شوالی است که نه تنها برای تو، بلکه برای بسیاری دیگر از مردم زحمتکش مطرح است و خودت میدانی که سرمایه‌داران از جیبه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی برای جلوگیری از روی آوردن زحمت‌گشان به سوی سازمانهای کمونیستی همیشه می‌کوشند تا با دادن زهن به سواالاتی از این نوع، سد و مانعی در جلوی پیوستن زحمتگشان به نیروهای کمونیست فراهم بیاورند.

البته این فقط سؤال کوچکی است و واقعیت هم دارد. آنها مطالبی غیر واقعی و دروغ در رابطه با مسائل اخلاقی و... را نیز به کمونیستها نسبت میدهند. البته

تو در ارتباط با کمونیستها توانسته‌ای به دروغ و چرند بودن آن مطالب غیر واقعی پی ببری. اما برایت این سؤال مطرح است که " چرا خدا وجود ندارد؟"

رقیبه جان! حجم کم صفحه پاسخ به نامه‌ها جایی برای اثبات این مسئله نیست. چرا که این مسئله، مسئله کوچکی نیست که در چند خط آنرا خلاصه کرده و برایت پاسخ دهیم. اما به همراه دوستان کمونیستی که داری میتوانی با خواندن برخی کتابهای فلسفی مثلاً " اصول مقدناتی فلسفه" (بولیتسور) پاسخ این سؤالات را دنبال کنی.

به هر حال ما آماده هستیم تا در این زمینه راهنمایی‌های لازم را به تو بکنیم. اگر در این زمینه مطالبی خواهی داشت حتماً برای ما بنویس. دست‌ها را بگرم می‌فشاریم و منتظر خنده‌های بطنیت هستیم.

رفقای دانش آموزی ۲ - پروچورد

رفیق مطالبی را که در مورد صفحه بندی نشریه گفته بودی، از نظر ما درست بوده و قبلاً این انتقاد را با رفقای صفحه بندی مطرح کرده‌ایم. نامه تو را نیز در این زمینه برای رفقا فرستادیم.

بقیه از صفحه ۸ بهشکام سه

رفقای بهشکام! آنچه شما در مورد رابطه دوس و مبارزه تبلیغ می‌کنید، نظریه‌ای اپورتونیستی است که جز بمفهوم تبلیغ فرهنگ استعماری حاکم بر مدارس و سیستم آموزشی ارتجاعی حاکم نیست و روشن است که چنین شماری، حال تحت هر عنوان که می‌خواهد طرح شود، جز به نفع بورژوازی و به زیان پرولتاریا نخواهد بود. این شمار، شماری است که زمانی سازمان شما (پیش از انشعاب) به طرح آن پرداخته و ما همیم که اکنون به کجا رسیده‌است به جایی که در نشریه نیرو دانش -

آموز (بهشکام اکثریت) در موقع امتحانات، آموزش ایدئولوژیک قطع شده و تشکیل گروه‌های کمک درسی تبلیغ می‌شود! رفقای بهشکام، آرزای که شما می‌روید جز به آن ورطه ختم نخواهد شد. بسیاری جلوگیری از غلظیدن به چنان منجلاسی شما با به با برخوردی اصولی به انحراف خویش در این زمینه، و نه فقط در این زمینه، بلکه در تمامی عرصه‌های مبارزه طبقاتی، با ترک مواضع اپورتونیستی، مواضع کمونیستی را بپذیرید. در غیر اینصورت، سرنوشت شما همان سرنوشت بهشکام اکثریت خواهد بود.

اخبار مبارزات دانش آموزی



حمله مزدوران رژیم به دبیرستان محبوبه متعلین آغا چاری

در پی مبارزات بی گهر و انقلابی دانش آموزان دبیرستان "محبوبه متحدین" امید به رژیم بوسیله مزدوران سلطنت توطئه سرکوب مبارزات انقلابی دانش آموزان انقلابی و کمونیست این دبیرستان علی گرده صبح روز پنجشنبه ۱۰/۲/۰۰ بلندگوی مسجد بعد از آرمه و بطش متوالی مردم را بر علیه دانش آموزان انقلابی و کمونیست بسیج میکرد.

خانواد همای دانش آموزان که به سوی دبیرستان میشتافتند تا از ماجرا اطلاع حاصل کنند در جلو دبیرستان با صحنه آرزو سی بدستان جمهوری اسلامی روبرو میشوند که اسلحه های خود را بسوی مردم گرفته بودند تا مانع از حرکت توده های

خشکین شوند. هدفای از لیبهای رژیم از سرین سنگ به داخل دبیرستان برتا ب میکردند و پاسداران تراندازی هواسی میکردند و در داخل دبیرستان مزدوران و اهاغان رژیم وجه پاسدار وجه جاسوسان انجمن اسلامی و دبیران مزدور دبیرستان و هدفای از دختران زینب که معروف عام و خاص میباشند به ضرب و شتم دانش آموزان بوسیله چاقو و چماق و قنداق تفنگ مشغول بودند.

این مزدوران توطئه گر از قبل آمولانیر و دروینهای فیلمرداری را آماده کرده بودند و از آنجا که نتوانستند توطئه خود را منی بر تمطیل کردن دبیرستان و بقیه در ص ۱۲

فراق

باید که بار دگر بر لبان ما
جاری شود سرود رهائی
اما به گونهای کز این بار
باید سرود خویش را بسزائیم
باید که آوج بگردد سرود خادر
کارخانهها

در کشتزارها
چون اتحاد کارگر هرگز
زنجیرهای بردگی نابود می کند
به لحظه درنگ نباید تورا
رفیق
زیرا دگر مجال تا مل نماند ناست .
با درودهای هم
این هر دو آشنا
در یک صحنی مطیم بودند شان دهم
بیکد پتنگر
تا با زبان خویش
این بار شعر خود بسرایند



رفیق علیرضا رحمانی (شستانی) فرزند خلق بلوچ آزاد باید گردد!

رفیق محسن فاضل
سازر قدسی
با خلق فلسطینی
آزاد باید گردد!



جهاد دانشگاهی، انجمنهای اسلامی و امور تربیتی مدارس باید منحل بشوند